

جایگاه ایران در روند همگرایی آسیایی

منیره اخوان^۱

تاریخ پذیرش ۹۵/۰۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۱/۱۵

چکیده:

اشتراکات تاریخی - فرهنگی همراه با موقعیت جغرافیایی مشابه از یک سو و وجود دغدغه های امنیتی مشابه در منطقه آسیا ، کشورها ی این منطقه را به ایجاد یک گفتمان مشترک در قالب همگرایی آسیایی سوق می دهد. باتوجه به روند شکل گیری همگرایی آسیایی و مزایا و فرصت هایی که برای کشورهای این قاره کهن ایجاد می کند لزوم توجه به مزایایی که ارتباط با قدرت های بزرگ آسیایی در راستای روند شکل گیری همگرایی و همبستگی آسیایی برای ایران به دنبال دارد، مهم جلوه می کند. با توجه به ضرورت پرداختن به این موضوع این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی قصد دارد به این سوال پاسخ دهد که موقعیت ایران در منطقه چه تاثیری بر همگرایی و همبستگی آسیایی دارد؟ در این پژوهش سعی شده است براساس نظریه " مجموعه امنیتی منطقه ای " باری بوزان (مکتب کپنهاک) به تاثیر نقش و جایگاه ایران با تاکید بر موقعیت ژئواستراتژیک آن در منطقه در شکل دهی به این همگرایی پرداخته شود و مزایا و فرصت های ایران را در قالب الگو گیری از مدل آسیایی ، هویت مشترک آسیایی ، اتحادیه سیاسی- امنیتی و... بررسی شود.

واژگان کلیدی: همگرایی آسیایی ، موقعیت ژئواستراتژیک ، ذخایر انرژی ، اتحاد اوراسیایی

مقدمه

آسیا بزرگترین و درحین حال پویاترین قاره جهان، تاکنون تحولات و فرازو نشیب های فراوانی به خود دیده است. این تحولات تأثیرات تعیین کننده ای بر نظام جهانی گذاشته است. بعد از فروپاشی نظام دو قطبی این تحولات شدت بیشتری گرفت و با ظهور کشورهای در حال صنعتی شدن و ارتقای سریع جایگاه آسیا در معادلات بین المللی فضای مناسبی برای رشد همگرایی آسیایی و مقابله با چالش های سیاسی-امنیتی پیش رو برای کشورهای آسیایی پدید آورده است. بنابراین آسیا برای ایفای نقش موثرتر در محیط بین الملل نیازمند گام نهادن در مسیر همبستگی آسیایی و تعریف هویت مشترک نوین در عرصه جهانی است. ایران به عنوان کشور شرقی که خود را در جایگاه یک قدرت دارای موقعیت ژئواستراتژیک در جنوب غرب آسیا تعریف می کند خواهان روابط گسترده با قدرت های شرقی در قالب رویکردنگاه به شرق می باشد. در این رویکرد تعاملات با شرق جایگزین رابطه با غرب شده و ایران با نگرش ایجاد تعاملات عمیق و مؤثر با کشورهای آسیایی به ویژه سه قدرت برتر (روسیه، چین، هند) این سیاست را پایه ریزی کرده است. این سیاست بعد از روی کار آمدن دولت نهم و دهم با جدیت بیشتری پیگیری شد و در دولت تدبیر و امید در قالب تعامل سازنده با کشورهای جهان ادامه یافته است که البته این امر ناشی از تشدید فشارها و تهدیدهای غرب بر ایران بر سر مسئله هسته ای و عدم دستیابی ایران به اهداف مورد توجهش در این زمینه بوده است. همچنین با قدرت یابی کشورهای آسیایی و امکانات بالقوه آنها، تعامل با کشورهای شرقی در جهت توازن در برابر غرب صورت پذیرفته است.

سوال مطرح شده در این مقاله این است که موقعیت ایران چه تأثیری بر همگرایی و همبستگی آسیایی دارد؟

فرضیه پژوهشگر مبتنی بر این است که با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک ایران در منطقه، علی رغم اینکه ایران می تواند بر روند تحقق این همگرایی تسری بخشد، فرصت ها و مزایای گسترده ای نیز می تواند بدست آورد.

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی می باشد. در این روش ابتدا داده های مرتبط با موضوع را جمع آوری کرده ایم و بر اساس نظریه مطرح شده به تبیین آنها پرداخته ایم. برای جمع آوری داده ها روش کتابخانه ای مورد استفاده قرار گرفته و از کتب و مقالات و مجلات علمی فارسی و لاتین و همچنین منابع اینترنتی استفاده شده است.

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. در این روش ابتدا داده‌های مرتبط با موضوع را جمع‌آوری کرده ایم و بر اساس نظریه مطرح شده به تبیین آنها پرداخته ایم. برای جمع‌آوری داده‌ها روش کتابخانه‌ای مورد استفاده قرار گرفته و از کتب و مقالات و مجلات علمی فارسی و لاتین و همچنین منابع اینترنتی استفاده شده است. ابتدا تعریف مختصری از سیاست خارجی ایران در شرق آسیا ارائه می‌شود و با تحلیل موقعیت ایران به فرصت‌ها و مزایایی که ایران در راستای همگرایی آسیایی می‌تواند دست‌یابد پرداخته می‌شود.

رویکرد نظری

مکتب کینهاک باری بوزان^۲

باری بوزان و ویور نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای را بعد از جنگ سرد برای تحلیل مسایل رو به رشد منطقه‌ای مطرح کردند این در حالی است که بعد از این دوره موضوعات بیشتر رنگ و بوی منطقه‌ای به خود گرفته بود و می‌توان آنها را بر اساس چارچوب مجموعه منطقه‌ای تحلیل کرد (Danner, 2014, 2). بنابراین یکی از ابعاد مهم تفکرات بوزان در مطالعات امنیتی منطقه‌ایست وی در تجزیه و تحلیل خود از امنیت منطقه‌ای و چگونگی تاثیر آن بر مفهوم امنیت به عنوان یک کل بوزان چند مفاهیم مهم و قابل توجه را مطرح می‌کند. یکی از مهمترین مفاهیم دوستی و دشمنی در میان کشورهاست به عبارت دیگر روابط بین دولت‌ها را می‌توان در قالب طیفی از دوستی و اتحاد ارزیابی کرد. با توجه به مفاهیم ارائه شده بوزان مفاهیم دوستی و دشمنی نمی‌توان تنها به توازن قدرت نسبت داد. مسایلی که می‌تواند این احساسات را تحت تاثیر قرار دهد از طیفی مانند ایدئولوژی، سرزمین، پیشینه تاریخی و جریان‌های قومی می‌باشد (ston, 2009, 6-7). وی در جهت شناخت یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای ویژگی‌هایی را لازم و ضروری می‌داند. و بر این باور است که یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای عناصری بدین شرح است:

۱. وجود وابستگی متقابل امنیتی میان اعضا ۲. وجود الگوهای دوستی و دشمنی ۳. نزدیکی و مجاورت جغرافیایی ۴. وجود حداقل دو بازیگر موثر ۵. استقلال نسبی از به طور کلی نظریه مجموعه امنیتی (سایر مجموعه‌ها) عبدالله خانی، ۱۳۸۳، ۲۸۳-۲۸۰ منطقه‌ای این گونه تعریف می‌شود " وجود یک زیر سیستم مجزا و قابل توجه از روابط امنیتی، بین مجموعه‌ای از دولت‌ها که بر اساس مجاورت جغرافیایی با یکدیگر پیوند خورده‌اند. بنابراین جهان را می‌توان بر اساس مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای متعددی قابل نکته کاربردی این (Danner, 2014, 3) فهم کرد: برای مثال مجموعه امنیتی شرق آسیا تحلیل این است که برای فهم مناسب از سرشت امنیت باید به ساختار و ویژگی‌های کشورهایی که در منطقه‌ای خاص قرار دارند توجه کرد. از نظر این مکتب امنیت منطقه‌ای یک نظام امنیتی است که کشورهای واقع در آن اولاً دغدغه امنیتی مشابهی دارند ثانیاً از

² . Regional Security Complex Theory

نظر تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی دارای خاطرات یا سرنوشت نسبتاً مشترک می باشند و واحدهای تشکیل دهنده آن بر حسب نگرانی ها و درک و برداشت یکسان از تهدیدات به منظور ایجاد و حفظ خود تن به قواعد و سازوکارهای مشخص می دهند. به طور کلی عوامل ذهنی و سایر عوامل دیگر مانند فرهنگ و تاریخ و هویت و سرنوشت مشترک اشاره می کند. (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ۴۵۱-۴۵۲) از نظر بوزان منطقه شرق و جنوب آسیا به عنوان مجموعه امنیتی منطقه‌ای با سابقه و پویایی مجزا قابل درک است. در طول دهه ۱۹۹۰ ما شاهد ادغام جنوب شرقی و شمال شرقی آسیا برای ساختن یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای در شرق آسیا (علی‌رغم اینکه روابطشان تاحدودی متنازع بود) به واسطه یک تعهد مشترک به درجه ای از لیبرالیسم اقتصادی و توسعه مشترک بوده ایم. بوزان معتقد است (البته در بهترین حالت) با ادامه روند ظهور و قدرت گیری چین ممکن است است به ابرقدرت این مجموعه تبدیل شود. همچنین اذعان دارد این تجدید بنا ژئوپلیتیک آسیا نه تنها ادغام پویای امنیتی در شرق و جنوب آسیا شکل داده بلکه حضور قوی آمریکا را نیز به در دهه گذشته (Buzan, 2012, 3-11). عنوان یک قدرت خارجی در پی داشته است شرق آسیا ساخت مکانیزم های متعددی به منظور افزایش همکاری های منطقه‌ای به ویژه در زمینه های تجارت و امور مالی به کار گرفته است. با توجه به ماهیت نهاد سازی، قابل توجه است که بعد از نزدیک به پنجاه سال از همکاری های بسیار محدود منطقه‌ای بعد از پایان جنگ جهانی دوم تا اواسط دهه ۱۹۹۰ تلاش های منطقه‌ای شروع به شکوفا شدن در ده سال گذشته کرده‌اند. اگرچه این ساختار نهادی التقاطی با میزان کمی از تعهد کشورهای عضو همراه بوده است همچنین اگرچه در تاریخ و پیکربندی قدرت بستر مناسبی برای راه اندازی همکاری و همگرایی منطقه‌ای فراهم نمی‌کند اما عواملی زمینه ای از اواخر دهه ۱۹۸۰ موجب تغییر این شرایط شده است: الف) پایان جنگ سرد که شکاف جنگ سرد در منطقه را به حداقل رسانده است. ب) رشد سریع اقتصادی بسیاری از کشورها در منطقه و آزادسازی اقتصادی ج) دموکراسی در بسیاری از کشورها در منطقه و بلوغ اجتماعی مرتبط و افزایش جریان اطلاعات به علاوه رشد اقتصادی (katada, 2009, 4) منطقه‌ای رسمی از طریق شبکه تولید منطقه‌ای

بنابراین در روند شکل گیری همگرایی آسیایی، بعد از پایان جنگ سرد و رشد همگرایی منطقه‌ای در جهان، مناطق مختلف آسیا با گرایش به مسایل اقتصادی و توسعه گرایی وارد مرحله تازه ای از همگرایی شدند و با وجود تغییر و تحولات اساسی اقتصادی-امنیتی که با تولد قدرتهای نوظهور آسیایی همراه بود این قاره خود را نیازمند شکل دهی به گفتمانی در چهارچوب ایجاد همگرایی و همبستگی کشورهای آسیایی و بازتعریف هویت آسیایی یافت. اگرچه آسیا دارای کشورهای متنوع با خصیصه‌های متفاوت و در بعضی جهات داری اشتراکات تاریخی و فرهنگی می باشند اما با وجود ظرفیت های گسترده این قاره و الزامات همگرایی برای ایجاد امنیت اقتصادی و سیاسی برای رسیدن به جایگاه واقعی و شایسته آسیا در محیط بین الملل انگیزه ایجاد چنین حرکت پویایی برای کشورهای منطقه من جمله جمهوری اسلامی ایران بوجود آورده است.

تجلی همگرایی آسیایی در سیاست خارجی ایران

نگاه به شرق از رویکردی راهبردی به مناطق فراسوی مرزهای شرقی، جنوب شرقی و شمال شرقی جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای تعمیق مناسبات همگراییانه با بازیگران حاضر در این مناطق است به گونه‌ای که در راستای تامین منافع و ارتقاء امنیت ملی کشور توجه خاصی به مجرای همکاری و ائتلاف با آن چه از طریق تعامل دو جانبه و چه از طریق همکاری‌ها جمعی در چهار چوب نهادهای همگرایی منطقه‌ای نظیر آسه‌آن، سارک، اکو، دی هشت، سازمان همکاری شانگهای مبذول می‌گردد. (آدمی، ۱۳۸۹، ۱۰۴) از طرف دیگر این سیاست اصطلاحی ژئوپلیتیکی است که معمولاً در مقابل سیاست به غرب به کار برده می‌شود، این جهت‌گیری معمولاً وقتی در دستور کار تصمیم‌گیری کشورها قرار می‌گیرد که بین منافع آن کشور یا کشورها در تقابل با غرب نوعی تضاد و اصطکاک بروز کند (شفیعی، صادق، ۱۳۸۹، ۳۱۵) بعد از روی کار آمدن دولت نهم و دهم و (همچنین دولت کنونی) تعمیق روابط با قدرت‌های شرقی، به عنوان سیاست راهبردی دولت مورد توجه مسئولان کشور قرار گرفت. زیرا در این دوره ایران در شرایط تهدید آمیزی از جانب غرب و آمریکا قرار داشت، سرخوردگی ایران از غرب در اثر بی‌اعتمادی به غرب در راستای احقاق حق هسته‌ای خود باعث شد ایران توجه خود را به قدرت‌های آسیایی (روسیه، چین و هند) معطوف کند تا منافع خود را در این راستا تامین کند. این سیاست با هدف توازن بخشیدن به مراودات سیاسی و اقتصادی با کشورهای غربی و وجود امکانات بالقوه و توان بالایی فنی و صنعتی کشورهای آسیایی جنوب شرقی و قرابت‌های فرهنگی و تاریخی میان ایران و کشورهای این منطقه است. (دنیای اقتصاد، ۱۳۸۷، ۲۰) با توجه به مطالب بیان شده، چند نکته در بسترهای شکل‌گیری گرایش عمده دولت نهم به سیاست نگاه به شرق را از طرفی سرخوردگی از غرب به خصوص در بحران هسته‌ای ایران و غرب و از طرف دیگر افزایش قدرت شرق در زمینه فنی و صنعتی منجر به تعمیق و استحکام پیوندهای ایران با کشورهای آسیایی شد.

در حوزه استراتژیک، گرایش ایران به شرق و اتحاد با کشورهای قدرتمند آسیایی، می‌تواند منافع ملی ایران را تامین کند و مسئله فقدان متحد استراتژیک را برای ایران حل نماید در این خصوص اغلب به چین و روسیه اشاره می‌شود و درباره همکاری استراتژیک ایران و چین و روسیه گفته شده که اگر همکاری امنیتی و بین‌المللی میان این کشور هماهنگ شود و طیف گسترده‌ای از کشورهای دیگر از آنها حمایت کنند می‌توان شاهد گسترش تعامل و همگرایی منطقه‌ای بود (تقی‌عامری، احدی، ۱۳۸۷، ۶۶-۶۵) در حوزه اقتصادی، مهمترین انگیزه در نگاه به شرق تامین اهداف اقتصادی و تکنولوژیک است چون ایران برای تامین اهداف توسعه‌ای خود در چهار چوب مدل توسعه صادرات، نیازمند فناوری، سرمایه و بازارهای منطقه‌ای و جهانی است به ویژه برای سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز از این رو دولت ایران در صد گسترش و توسعه روابط اقتصادی - تجاری دو جانبه و چند جانبه با کشورهای شرق برآمده است. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۷، ۴۵)

موقعیت ژئواستراتژیک ایران و همگرایی آسیایی

الف- موقعیت ژئوپلیتیک ایران

ایران یکی از مهمترین کشورهای خاور میانه با ژئوپلیتیک ویژه‌ای در منطقه غرب آسیا است که از تمامی سواحل شمالی خلیج فارس و تمامی سواحل جنوبی دریای خزر بهره‌مند می‌باشد. کشور ایران به این وسعت سرزمینی و منابع طبیعی و انسانی توانسته نقش برجسته‌ای در منطقه ایفا کند.

ایران در مجاورت روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، شبه قاره، دنیای عرب و اروپا و همسایگی با ۱۵ کشور (که آنها محصور در خشکی هستند) قرار دارد (نصیری، ۱۳۸۷، ۳۵۰). از منظر دیگر، کاپیلا معتقد است ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای بالقوه در غرب آسیا از يك حکومت اسلامی شیعی برخوردار است که در مقابل شیخ نشین‌های سلطنتی سنتی که مورد حمایت ایالات متحده آمریکا هستند قرار می‌گیرد. (کاپیلا، ۱۳۸۴، ۱۲) همچنین جمهوری اسلامی ایران بعنوان نقطه مرجع شیعه مورد توجه اقلیت شیعیان در امتداد سواحل خلیج فارس، عراق، افغانستان می‌باشد که این هلال شیعی تهدیدی علیه کشورهای سنی منطقه است ولی (قدرت مضاعفی را برای ایران به ارمغان می‌آورد) (desiderio,maronta,2009). یکی دیگر از نقاط قوت کشور ایران، همسایگی با کشورهای افغانستان و عراق است که این فرصت را به ایران داده است که به عنوان یکی از کشورهای تاثیر گذار در این کشورها شناخته شود (فرزین نیا، ۱۳۸۷، ۴۲۸) با توجه به تحولاتی که در منطقه خاور میانه صورت پذیرفته و حضور نظامی آمریکا در افغانستان و عراق و نفوذ امنیتی که ایران در این کشورها قرار دارد، نمی‌توان نقش ایران را در منطقه نادیده گرفت. در رابطه با موقعیت ویژه ایران، نظریه پردازان معروف در اندیشه‌های خود از اهمیت ایران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی غافل نبودند.

به عنوان مثال، ایران در نظریه اسپارلین بخش مهمی از منطقه مرزی است و به همین دلیل موضوع رقابت دو قدرت زمینی و دریایی قرار گرفته است. کونن در نظریه نظام‌مند خود ایران را بخش مهم منطقه خرد شده خاورمیانه می‌داند که می‌تواند منشا تحول باشد، از نظر هانتینگتن ایران مرکز تمدن اسلامی است که اتحاد آن با تمدن کنفوسیوسی ممکن است پایه‌های تمدن غرب را متزلزل سازد. جفری کمپ ایران را منطقه مرکزی جدید در ژئوپلیتیک پست مدرن تصور می‌کند. (احمدی، ۱۳۸۷، ۲۴) به طور کلی کشور ایران از نظر گاه جغرافیایی راهبردی دارای سه امتیاز موقعیتی است اولاً این کشور متصل به موقعیت‌بری اوراسیاست ثانیاً به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان از موقعیت بحری برخوردار است ثالثاً به لحاظ در اختیار داشتن تنگه راهبردی هرمز دارای موقعیت گذرگاهی است. (مهدیان، یزدانی، ۱۳۹۰، ۱۲) در این باره جفری کمپ معتقد است: ایران در منطقه آسیای مرکزی و حوزه خزر و خاور میانه، موقعیت خاص ژئوپلیتیک دارد و مانند پلی دو منطقه‌ای پر اهمیت جهان یعنی خزر و آسیای مرکزی و خلیج فارس را به هم مربوط می‌سازد و از موقعیت ممتازی برخوردار است و این موقعیت اگر با عقلانیت و در این و آینده نگری همراه باشد می‌

تواند جمهوری اسلامی ایران را به يك قدرت در منطقه و دنيا تبدیل کند (اعظمي، ۱۳۸۷، ۱۶)

ب- برتری مسیرهای ترانزیتی ایران

از جمله بخش‌های زیر بنای اقتصادی هر کشور بخش حمل و نقل آن است. گسترش شبکه‌ها و به طور کلی صنعت حمل و نقل علاوه بر آنکه موجبات برقراری ارتباط سریع مراکز تولید و مصرف را میسر می‌سازد. بلکه به نوبه خود عاملی خواهد بود که می‌تواند در جهت کسب درآمدهای ترانزیتی برای کشورهای که موقعیتی خاص و استراتژیک دارند موثر واقع شود. (سیاری، ۱۳۸۷، ۳۸) بعد از جنگ سرد و فروپاشی شوروی، تحول مهمی در منطقه رخ داد زیرا کشورهای مستقل جدیدی در عرصه سیاسی جهان ظهور کردند و ایران با کشورهای بیشتری در شمال خود همسایه شد و نقش ترانزیتی ایران اهمیت بسزایی پیدا کرد.

زیرا در شمال و شرق ایران حداقل هشت کشور وجود دارند که یا کاملاً در خشکی محصورند و یا شبکه راه آبی آنان به آب‌های آزاد رودخانه ولگا در روسیه از راه دریای خزر است این کشور به طور خاص و به دلایل متعددی علاقه‌مند به استفاده از مسیر ترانزیتی ایران هستند. (مه‌آبادی، ۱۳۸۴، ۷۱) قرارداد کریدور شمال - جنوب به عنوان يك مسیر ترانزیتی کالا بین آسیا و اروپا نقش مهمی در جایگاه استراتژیک ایران دارد.

تمایل ویژه هند و روسیه برای ارتباط با یکدیگر از طریق ایران منجر به انعقاد قرارداد کریدور شمال - جنوب شد. در تاریخ ۱۲ سپتامبر سال ۲۰۰۰ روسیه، ایران، هند توافقنامه چند جانبه حمل و نقل را به منظور تسریع در جابجایی کالا بین آسیا و اروپا امضا کردند. (بیکدلی، ۱۳۸۱، ۲۰) اعضای این کریدور عبارتند از: اعضای موسس: ایران، هند، روسیه و سایر اعضا: بلا روس، قزاقستان، تاجیکستان، عمان، سوریه، آذربایجان، ارمنستان و همچنین کشورهای متقاضی عضویت: بلغارستان، اوکراین، ترکیه، قرقیزستان می‌باشد (محسنی، ۱۳۸۹، ۲۰) مسیر اصلی این کریدور از بندر بمبئی اقیانوس هند به دریای عمان - خلیج فارس - بندر انزلی - بندر آستراخان - مسکو و به سن پترزبورگ صنعتی می‌شود (همان، ۱۳۸۹، ۹۷) در این باره چند نکته حائز اهمیت است اولاً چون بخش مهمی از این کریدور از خاک ایران می‌گذرد موقعیت استراتژیک خاصی را برای ایران پدید می‌آورد. و از طرفی می‌توان کسب درآمدهای ترانزیتی قابل توجهی را نیز برای ایران به ارمغان آورد و مهمتر این که همکاری در این زمینه منافع سه کشور ایران، هند، روسیه را در يك راستا تقویت می‌کند.

یکی از مسیرهای استراتژیک و قابل مزیت برای کشورهای جنوب شرق آسیا و اروپا، طرح عملیاتی نمودن کریدور شرق - غرب و یا جاده ابریشم از طریق ایران است این مسیر موجب اتصال سریع و قطب اقتصادی دنیا با ظرفیت‌های اقتصادی متفاوت یعنی غرب با فناوری توسعه یافته و چین با فناوری در حال توسعه خواهد شد (تکیه سادات، ۱۳۸۹، ۲۱) جمهوری اسلامی ایران با اتصال خط ریلی زاهدان - بم اقدامات مهم در احداث خط ریلی سرخس و مسیر کرمانشاه بصره و همچنین انجام طرح امکان‌سنجی خط ریلی از چابهار تا هرات و نهایتاً نگاه مسئولان‌تر از اول نظام به اهمیت

ظرفیت سازی بنادر ترانزیت چابهار و شهید رجایی توانسته خود را به جایگاه اصلیش به عنوان محوریت ترانزیت در منطقه نزدیکتر نماید. (همان، ۱۳۸۹، ۲۱) برتری موقعیت ترانزیتی ایران در آسیا می توان موجبات همگرایی با قدرت های آسیایی را برای ایران ایجاد کند همچنین راه های ترانزیتی ایران فرصت معقول و مناسبی را برای انتقال کالا میان کشورهای شرقی و ارتباط این کشورها با غرب اروپا را فراهم می نماید. کریدور شمال - جنوب به عنوان کوتاه ترین و ارزان ترین راه ارتباطی امکان حمل و نقل ترانزیتی هند را با بازارهای کشورهای آسیای مرکزی و روسیه به وجود آورده است. از طرفی دیگر با عملیاتی شدن کریدور شرق - غرب و یا جاده ابریشم ایران نقش واسطی را بین کشورهای آسیایی با پتانسیل قوی برای توسعه اقتصادی و کشورهای غربی ایفا می کند به نظر می رسد. تقویت و گسترش مسیرهای ترانزیتی ایران نقش موثری در پیوستگی متقابل و تقویت همگرایی با گول های آسیایی برای ایران داشته باشد.

ج- ذخایر انرژی و مسیرهای انتقال انرژی ایران

افزایش تقاضای انرژی در جهان و قرار گرفتن ایران بین دو کانون غنی نفت و گاز و همچنین موقعیت استثنایی ایران برای انتقال انرژی به اروپا، آسیای مرکزی و جنوب شرق آسیا موقعیت منحصر به فردی را در زمینه انرژی را برای ایران پدید آورده است.

ایران بر اساس آمار ۲۰۰۱ بر بیش پترولیم، با ۱۳۷/۶ میلیارد شبکه ذخایر اثبات شده (حدوداً) ۱۰/۹ درصد کل ذخایر اثبات شده نفت جهان و ۲۹/۶ تریلیون متر مکعب ذخایر اثبات شده گاز طبیعی (حدوداً) ۱۶ درصد کل ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان را به خود اختصاص داده است. (واعظی، ۱۳۸۹، ۶۰۴) بر اساس گزارش مجله نفت و گاز ایران نه درصد از ذخایر جهان و بیش از ۱۲ درصد از ذخایر اوپک را تشکیل می دهد. (word energy council, 2013, 2.24) همچنین ایران دومین ذخایر گاز در جهان بعد از روسیه را داراست و برای دو دهه رشد تولید خود را به طور متوسط ۱۰ درصد در سال افزایش داده است. تا ژانویه ۲۰۱۱ برآورد ذخایر ثابت گاز طبیعی ایران ۲۹۶۰۱/۸ میلیارد متر مکعب تخمین زده شد (Ibid, 2013, 3.43) با توجه به مجاورت ایران با دو حوزه بزرگ انرژی جهان توانسته نقش موثری را معادلات انرژی جهان ایفا کند البته به علت عدم سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز، ایران با جایگاه بالقوه بالایی که در زمینه امنیت انرژی در جهان دارد هنوز نتوانسته از تمام ظرفیت هایش در حوزه های نفتی و گازی خلیج فارس و دریای خزر استفاده نماید.

هم اکنون خلیج فارس از ۶۲ درصد منابع جهانی نفت خام و قریب به ۴۰ درصد ذخایر جهان گاز طبیعی برخوردار می باشد، بر اساس پیش بینی های وزارت انرژی ایالات متحده آمریکا تولید روزانه نفت خام کشورهای خلیج فارس در ۲۰۱۰ به ۲۶ میلیون شبکه و در ۲۰۲۰ به ۳۵ میلیون شبکه افزایش خواهد یافت. (قاسمی، ۱۳۹۰، ۴۱) در حوزه ی دریای خزر، ذخایر نفت ایران و روسیه بیش از ۲۰۰ میلیارد شبکه است که حدود پنج برابر ذخایر سه کشور دیگر حوزه دریای خزر است. همچنین ذخایر گاز کشورهای

مجاور دریای خزر مانند نفت عمدتاً در روسیه و ایران واقع شده است جمع ذخایر ثابت شده گاز در ایران و روسیه حدود ۷۳ تریلیون متر مکعب است. (واعظی، ۱۳۸۹، ۴۵۳، ۴۵۸) با توجه به ظرفیت های بالقوه ایران در زمینه ذخایر انرژی، این کشور برای تأثیر گذاری در ابعاد داخلی و خارجی می‌بایست تمامی ظرفیت های نفتی و گازی خود را به فعلیت برساند. علاوه بر ذخایر انرژی، انتقال آن نیز نقش بسزایی بر موقعیت استراتژیک کشور دارد.

با توجه به اینکه ارتباط خلیج فارس به اقیانوس آرام فقط از طریق تنگه هرمز میسر است، از نظر ژئواستراتژیکی تنگه باریک و کم عمق هرمز به منزله "دریچه جهانی" است و ایران (علاوه بر تسلط بر تنگه هرمز) با دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس با جزایر زیادی که داراست می‌تواند حفاظت از این تنگه را تسهیل کند. (leich, vukovic, 2010, 15) یکی از مهمترین طرح‌هایی انتقال انرژی که همکاری با کشورهای شرقی را نیز در پی دارد موضوع احداث خط لوله صلح می‌باشد. در صورت عملیاتی شدن منافع سرشار اقتصادی برای ایران به ارمنان می‌آورد. وجود دو کانون بزرگ تولید انرژی (خلیج فارس و به ویژه ایران) و مصرف انرژی (هند) در این قسمت از جهان باعث شکل‌گیری اندیشه انتقال گاز از ایران به هند به وسیله خط لوله در دهه پایانی قرن ۲۰ شد. (عزتی، ویسی، ۱۳۸۲، ۲۸) در سال ۱۹۹۵ موافقتنامه اولیه برای احداث خط لوله بین ایران و پاکستان و همچنین ایران و هند به امضا رسید که بر اساس آن گاز ایران پس از کرانچی به شهر موسان و دهلی نو صادر خواهد شد. (موحدین، ۱۳۸۸، ۳۱) خط لوله گاز ایران یک پروژه برد-برد برای سه کشور است که پتانسیل تغییر صحنه انرژی در جنوب آسیا را دارد. با توجه به تقاضای روبه رشد انرژی در دو کشور فرض خط لوله صلح برای این کشورها با اهمیت جلوه می‌کند که اولاً برای بدست آوردن زمینه های گاز در نقاط جهان با یکدیگر رقابت می‌کنند ثانیاً با وضعیت در حال ظهورشان ممکن است در آینده نزدیک برای کنترل پایگاه های انرژی مجبور به رقابت با آمریکا و غرب شوند که این خط لوله تلاش برای بدست آوردن چنین پایه ای است. (verma, 2007, 3280) البته در رابطه با عملیاتی کردن طرح خط لوله صلح چالش عمده‌ای وجود دارد. فشارهای آمریکا تاکنون مانعی جدی در احداث این خط لوله بود و خواهد بود. هند به رغم نیاز شدیدش به گاز ایران به علت ناخرسندی آمریکا و اسرائیل از تقاضای همکاری با ایران خودداری می‌کند. (زرگر، ۱۳۸۶، ۱۷۰) همکاری های بین المللی هند - پاکستان در کنار همکاری های هند - ایران و همچنین ایران - پاکستان می‌تواند تأثیر بالقوه‌ای بر روابط دو جانبه بین کشورها و اختلافات بر سر افغانستان، کشمیر و کل امنیت منطقه داشته باشد (بهروزی فر، ۱۳۸۵، ۶۱، ۶۲) در صورت اجرایی شدن احداث خط لوله، علاوه بر منافع اقتصادی سرشار که برای کشورهای مذکور دارد بلکه امکان امتداد این خط لوله به چین نیز وجود دارد که در این صورت، زمینه‌های همکاری گسترده در بعد امنیتی و استراتژیک برای این چهار کشور آسیایی مهیا می‌شود.

به طور کلی نرخ رشد مصرف انرژی در آسیا (به ویژه چین و هند) با توجه به توسعه صنعتی در حال پیشرفت و نیاز فزاینده این کشورها به انرژی، تأمین انرژی یکی

از بزرگترین اولویت این کشورها می‌باشد پس امنیت انرژی یکی از مهمترین اصول شکل‌گیری سیاست خارجی این کشورها در توجه به منطقه خاورمیانه می‌باشد. از طرفی ایران به عنوان يك کشور نفت خیز در غرب آسیا از ذخایر غنی نفت و گاز در حوزه خلیج فارس و دریای خزر بهره‌مند می‌باشد بنابراین انرژی می‌تواند یکی از پیوندهای قوی میان ایران به عنوان تولیدکننده انرژی و کشورهای آسیایی (هند و چین) به عنوان مصرف‌کنندگان آسیایی انرژی نقش موثری ایفا کند. که این امر زمینه مرادفات حداکثری بین مناطق شرق و غرب آسیا را فراهم می‌آورد. علاوه بر این تقویت و گسترش مسیرهای انتقال انرژی نیز می‌توان امکان ایجاد پیوندهای اقتصادی را با قدرتهای آسیایی افزایش دهد. بنابراین خودبسندگی قاره آسیا با وجود کانون‌های اصلی مصرف‌کننده و تولیدکننده انرژی، وابستگی متقابل بین کشورها و متعاقب آن همبستگی و ایجاد سرنوشت مشترک آسیایی را تسریع می‌بخشد.

مزیت‌های ایران در راستای همگرایی آسیایی

- الگوگیری از مدل آسیایی

مدل توسعه آسیایی مدلی اقتصادی که بسیاری از کشورهای آسیایی آن را دنبال کرده‌اند. این مدل توسعه که مبتنی بر توسعه صادرات و تعامل با اقتصاد جهانی بود امروزه با موفقیت در مقابل مدل‌های چپ توسعه به الگوی جهانی تبدیل شده است. (انعامی علمداری، ۱۳۸۷، ۱۹) کشورهای آسیایی در فرایند‌های منطقه‌ای بدنبال ترویج و مدیریت تعاملات اقتصادی میان خود با اقتصاد جهانی بوده‌اند. رشد اقتصادی در منطقه در یک مدل متوالی رخ داده است منطقه آسیا به عنوان یک بخش پویای منطقه‌ای ترتیبات منطقه‌ای با علایق مشترکی در جهت حفظ رشد و توسعه خود از طریق همکاری‌های منطقه‌ای و یکپارچه‌سازی را مورد توجه قرار داده است. (Soesastro, 2006, 215) در این زمینه می‌توان چین را به عنوان یک کشور شاخص و موفق در بهره‌گیری از مدل توسعه اقتصادی آسیا نام برد. سرعت و مقیاس توسعه اقتصادی چین با راه‌اندازی استراتژی " اصلاحات و درهای باز " در سال ۱۹۷۸ یکی از مهمترین حرکت‌های اقتصادی در عصر حاضر است. میزان اقتصاد چین در ۳۰ سال گذشته نزدیک به بیست برابر افزایش یافته است رشد ناخالص داخلی به طور متوسط سالانه ۱۰ درصد که هر ۸-۷ سال دو برابر می‌شود. (Arora, vamvakidis, 2010, 3) در واقع رمز موفقیت چین بهره‌گیری از همین مدل توسعه آسیایی و مهمترین عنصر آن یعنی تعامل با اقتصاد جهانی بوده است و این درسی است که پیش‌روی تمامی کشورهای در حال توسعه جهان قرار دارد. (امید بخش، ۱۳۸۶، ۱۳) همچنین یکی از پدیده‌های نادر در منطقه آسیا تاثیر نمایشی و سرایتی قدرت اقتصادی و نظامی آن است تاثیرات اقتصادی و نظامی آسیا خیلی سریع به سایر کشورهای (منطقه) سرایت پیدا میکند برای مثال: شکل خاصی از تکنولوژی و فرآورده‌های اقتصادی و نیز کارویژه‌های خاص تولیدات نظامی ضمن تکثیر به سایر کشورهای آسیایی و نیز دیگر کشورها نیز سرایت پیدا می‌کند و بازار منطقه‌ای

و حتی فرامنطقه‌ای آن فراورده تسخیر می شود. (هادیان، ۱۳۸۴، ۵) با توجه به موفقیت های بدست آمده کشورهای آسیایی (به ویژه چین) و ارتقاء سریع جایگاهشان در محیط بین الملل، ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه که هنوز به یک الگوی موفق در زمینه توسعه اقتصادی نائل نیامده نیازمند بکارگیری یک الگوی کارآمد است می تواند با الگوگیری از مدل موفق آسیایی در جهت رسیدن به توسعه اقتصادی گام مؤثری بردارد. تعمیق مناسبات ایران و قدرتهای آسیایی، علاوه بر اینکه امکان استفاده از این الگو را برای ایران میسر می کند، بلکه با انتقال فناوری و جذب سرمایه گذاری خارجی از کشورهای آسیایی، زمینه های توسعه اقتصادی موفق برای ایران فراهم می شود. همچنین ویژگی های مشترک دیگر بین کشورها و گروه بندی ها نظیر بافت عمومی جهان سومی، امکانات مکمل اقتصادی خصوصا در زمینه های تجارت، سرمایه گذاری، حمل و نقل و انرژی، دسترسی آسان به بازارهای یکدیگر و روابط دیرینه تاریخی و اجتماعی، ضرورت این همکاری ها و (همگرایی آسیایی) را تشدید می کند. (پاکدامن جامی، ۱۳۸۶، ۳۹) به طور کلی محوریت توسعه اقتصادی را در همگرایی آسیایی با توجه به ویژگی های مشترک کشورهای آسیایی می توان شاهد بود.

شکل گیری هویت مشترک آسیایی

خیزش آسیا با بهره گیری از رشد سریع اقتصادی قدرت های این قاره و قدرت های جدید در عرصه محیط بین الملل، تحول شگرفی در جایگاه آسیا در معادلات بین الملل ایجاد کرد. قدرت های آسیایی در تعاملات اقتصاد جهانی و (تحولات سیاسی و امنیتی جهان) اکنون به نیرویی بسیار تأثیر گذار تبدیل شده اند به گونه ای که دیدگاه ها و اعمال آنها بر تحولات این حوزه (ها) تأثیرات تعیین کننده ای می گذارد. (واعظی، ۱۳۸۶، ۲) با توجه به تحولات گسترده در محیط سیاسی و امنیتی و اقتصادی بحث از وحدت آسیا، آسیایی شدن و ارزش های آسیایی به یکی از موضوعات مهم این قاره تبدیل شده است. به نظر می رسد هویت آسیا آمیزه ای از همه مؤلفه های تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی این حوزه کهن باشد. (آهنی، ۱۳۸۸، ۶۷۴) در آسیا با مجموعه ای از کشورها روبه رو هستیم که بسیاری از آنها پیوندهای مذهبی زبانی، قومی، جغرافیایی زیادی با یکدیگر دارند و ضریب همگرایی و فعالیت در آنها چندین برابر اروپاست، در آسیا کشورهایمانند ایران و هند و چین نماد تمدن و تاریخی هستند که به صورت سلسله وار کشورها را در آسیا تحت تأثیر قرار دادند. (روزنامه رسالت، ۱۳۸۷) کشورهای آسیایی با تقویت هویت مشترک آسیایی در منطقه می توانند با ایجاد تعاملات عمیق آسیایی، نوعی سرنوشت مشترک آسیایی را پی ریزی کنند. البته اکنون آسیا با ایجاد همبستگی فراگیر آسیایی فاصله ی چشمگیری دارد ولی با توجه روند سریع رشد اقتصادی و جذب سرمایه گذاری خارجی و همچنین همکاری های امنیتی گسترده در نهادهای آسیایی، چشم انداز ایجاد هویت مشترک آسیایی و متعاقب آن شکل گیری همبستگی و همگرایی آسیایی بسیار روشن و در سطوح بالا قابل تحقق است.

اینک جمهوری اسلامی ایران به عنوان صاحب یکی از کهن ترین تمدن های مشرق زمین که از یک سو گام در مسیر توسعه گذارده و از سوی دیگر ناتوان از برقراری

روابط نهادینه با غرب می باشد باید فرصت طلایی حاصل شده بر اثر خیزش منطقه شرق را مغتنم شمرده و با اتخاذ رویکردی راهبردی و بلند مدت به بازیگران شرقی و طراحی یک دستور کار منسجم برای حرکت سیاست خارجی در راستای این هدف خود را به جریان خروشان و پرشتاب توسعه و یکپارچگی شرق پیوند زند. (آدمی، ۱۳۸۹، ۱۱۷) ایران با ایجاد روابط در ابعاد گسترده با قدرت های آسیایی با توجه به نیاز این کشورها به انرژی و بازار تولیدات می تواند نقش مؤثری در تعاملات منطقه ای ایفا کند که در این میان همسانی های فرهنگی و تمدنی ایران با کشورهای آسیایی به ایجاد همگرایی در این قاره تسریع می بخشد.

– ایجاد اتحاد و همگرایی امنیتی – سیاسی آسیایی

بعد از پایان جنگ سرد اگرچه امنیت مشترک جهانی توسط سلطه نظامی آمریکا تامین می شد با این حال قدرت های اقتصادی در حال ظهور آسیایی شروع به تبدیل موفقیت های اقتصادی نوظهورشان به قدرت نظامی، با پیامد های عمیقی برای ثبات منطقه ای و موازنه نظامی در عرصه جهانی کرده اند. این قدرت ها به تدریج به قدرت های نظامی جدید آسیایی تبدیل می شوند. (Tellis, marble, tanr, 2010, 172) بنابراین علارغم پتانسیل های بالای اقتصادی قاره آسیا توجه به مسائل امنیتی و تضمین بقا کشورهای آسیایی در چهارچوب همگرایی و ایجاد همبستگی آسیایی برای این کشورها ضروری جلوه کرده است.

از منظر تاریخی حضور و دخالت گسترده نیروهای خارجی به بحرانی امنیتی برای آسیا تبدیل شده بعد از وقوع برخی رویدادهای مهم جهانی مخصوصاً حوادث ۱۱ سپتامبر تشدید شده است در واقع قدرت های خارجی ویژه امریکا و انگلیس در جهت تثبیت و تقویت استراتژی سلطه طلبانه خود بر آسیا از فرصت بدست آمده بیشترین سوء استفاده های امنیتی را برده اند (بیزدان پناه، ۱۳۸۴، ۴) بنابراین طبیعی است که اندیشه تشکیل ساختارهای امنیتی گسترده در مقابله با تهدیدات غرب به ویژه پس از ۱۱ سپتامبر در بین رهبران و نخبگان منطقه در دوره های زمانی متعددی مطرح شود برای نمونه یوگنی پریماکوف اندیشه اتحاد استراتژیک بین سه کشور بزرگ منطقه و جهان یعنی روسیه-چین-هندوستان را بارها مطرح کرده است (امیراحمدیان، ۱۳۸۴، ۱۱) قابل تصور خواهد بود که محور شرق بتواند بر پایه نیاز مشترک امنیتی شکل بگیرد هر چیز که ممکن است هنوز زود باشد که چنین نیازی را همه کشورها به صورت یکسان و در یک زمان احساس نماید سرخوردگی مسکو، پکن و دهلی نو از سیاست های غرب بالا خره آنها را حول محور شرق متمرکز خواهد کرد (ملازهی، ۱۳۸۴، ۳)

با توجه به اینکه ایران کشور آسیایی است پتانسیل ایجاد رابطه استراتژیک با سه قدرت (روسیه، چین و هند) را داراست. این در حالی است که ایران برای پیگیری سیاست خارجی فعال در راستای تامین منافع ملی اش در ابعاد گوناگون در عرصه منطقه ای و بین المللی نیازمند ایجاد پیمان های سیاسی – امنیتی منطقه ای قوی با قدرت های بزرگ می باشد. جمهوری اسلامی ایران سیاست خارجی فعال و پویایی را در جهان و منطقه

پیگیری می کند بنا بر آن باید سیاستهای خود را در راستای اتحادیه های دولت های منطقه تنظیم کند. مطرح شدن روابط گسترده با قدرت های شرقی ، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران راهبردی اصولی در این زمینه برای ایفای نقش مؤثر ایران در سازمان های منطقه ای موجود و همچنین گسترش و تقویت این سازمان ها می باشد. گسترش این همکاری ها با توجه به مزیت موقعیت ژئوپلتیک و ژئواکونومیکی و ذخایر غنی انرژی ایران، این کشور می تواند موقعیت بی نظیری را برای ایران به وجود آورده است. البته نباید علاقه ویژه آمریکا به منطقه آسیا و تعامل با کشورهای آن و همچنین تأثیر آن بر موقعیت ایران را نادیده گرفت. آمریکا در پی اعمال نفوذ در منطقه است و ایران به عنوان کشور تأثیرگذار منطقه ای باید هوشیارانه این سیاستها را خنثی کند.

از طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای است که به ویژه به دلیل بلافصل بودن موقعیتش با قلمرو جغرافیایی جنوب آسیا و پتانسیل هایش در تأثیر گذاری بر معادلات این منطقه همه کشورهای رقیب در منطقه جنوب آسیا رقابت پنهانی شدیدی را برای کشاندن رسمی و غیر رسمی ایران به اتحادها و ائتلاف های منطقه ای صورت داده اند. (شفیعی، ۱۳۸۴، ۱۳) علی رغم مطالب فوق چالش عمده ای در این خصوص وجود دارد، این نکته را باید در نظر گرفت که برای همکاری های استراتژیک با ایران هزینه های بسیاری از جانب غرب و آمریکا در عرصه بین الملل به این کشورها تحمیل می شود. بنابراین ایران باید در سازماندهی سیاست خارجی اش این امر را مورد توجه قرار دهد که تامین منافع ملی با محوریت کسب و افزایش قدرت و پرستیژ بین المللی از اصول اساسی تعقیب سیاست خارجی کشورها در عرصه بین المللی است ایران نباید انتظارات بیش از حد و خارج از منطق واقع گرایی از قدرت های آسیایی در زمینه همگرایی سیاسی-امنیتی در آسیا داشته باشد. بلکه باید با ظرافت های استراتژیک خاص خود برای حداکثرسازی تعاملات ، همکاری های مناسبی را سازماندهی کند.

- اتحادیه اوراسیایی (پوتین)

در جهان قرن بیست و یکم کشورها برای تأثیرگذاری در عرصه بین المللی ناچار به حرکت به سوی یارگیری های منطقه ای هستند. از آنجاکه روسیه به تنهایی نمی تواند در فرایند نظام بین المللی بازگشتی به دوران ابرقدرتی داشته باشد، بنابراین ناچار است که یارگیری کند تا بتواند حوزه نفوذ خود را گسترش دهد. در این چارچوب است که روسیه طرح تشکیل اتحادیه اوراسیا را مطرح می کند. (صالحی، ۱۳۹۲) پوتین علاقه شدیدی به امور آسیا از خود نشان داده است وی بدون شک علاقه به روابط خوب با چین و تحکیم مواضع مسکو در آسیای مرکزی است همچنین بدنبال مدیریت پیامد های منطقه ای از خروج نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان ، جلوگیری از یک جنگ یا بحران بزرگ در کره و تعمیق ادغام روسیه به شبکه های اقتصادی پویا و پررونق شرق آسیا می باشد. (weitz,201) روسیه که از وعده های انجام نشده غرب درباره استقرار سپر دفاع موشکی در اروپا و لغو نشدن تحریم های چهار ساله مجلس سنای آمریکا علیه این کشور سرخورده شده است، می کوشد با تشکیل اتحادیه اوراسیا و بازسازی روابط خود با جمهوری های سابق شوروی، چین و هند، سرنوشت خود را به گونه دیگری رقم

بزند. (صالحی، ۱۳۹۲) روسیه بر سر مساله اوکراین با آمریکا و اتحادیه اروپا دچار چالش و درگیری شده است. درگیری های اوکراین بیش از گذشته وجهه روسی این اتحادیه را تقویت کرده است. به نظر می رسد روسیه مایل است این اتحادیه نوعی وزنه تعادل شرقی در برابر مراکز قدرت سیاسی و اقتصادی غرب از جمله اتحادیه اروپا باشد. به ویژه در شرایطی که روسیه نتوانست اوکراین را وارد اتحادیه مزبور کند، قرارداد اخیر نوعی پیروزی در این کشور محسوب می شود. (اقتصاد ایرانی، ۱۳۹۳)

اصطلاح "اتحادیه اوراسیا" که در مناظرات سیاسی استفاده می شود نهادهای متعددی را دربرمی گیرد. در سال ۲۰۰۶ اتحادیه گمرکی طراحی شد و در سال ۲۰۱۰ راه اندازی شد که شامل روسیه، بلاروس و قزاقستان می شود و در سال ۲۰۱۲ به یک فضای اقتصادی مشترک از سه کشور جهش یافته است. پوتین اعلام کرد این اتحادیه اقتصادی اوراسیا در اول ژانویه ۲۰۱۵ به یک نهاد جدید (اتحادیه اوراسیا) تبدیل خواهد شد (Popescu, 2014, 9). بر اساس آنچه که مد نظر پوتین است، ایده تشکیل اتحادیه اوراسیا، می تواند از یک سو، راهی برای اجرای پروژه های نوآوری مشترک و افزایش رقابت در توانایی تمامی کشورهای حوزه اوراسیا باز کند و از سوی دیگر، جوابگوی تمامی خواست های سازمان تجارت جهانی نیز باشد. در عین حال می توان چنین ادعان داشت که امضای این توافقنامه در شرایط کنونی، هشدار به کشورهای غربی در مورد تشدید تحریم اقتصادی روسیه به دلیل سیاست های کرملین در قبال بحران سیاسی اوکراین است. در واقع روسیه با تشکیل اتحادیه اوراسیا، قصد دارد به غرب نشان دهد که اگر آمریکا و اروپا مایل به همکاری اقتصادی با روسیه نباشند، این کشور می تواند از راه های دیگر در صحنه اقتصاد جهانی ابراز وجود کند یا به رقابت با آنها پردازد. به هر روی، در شرایطی که به نظر می رسد امضای توافقنامه تشکیل اتحادیه اوراسیا، گامی به سوی تحقق رویای پوتین در خصوص شکل گیری این اتحادیه و رهایی از فاجعه ژئوپلیتیک قرن بیستم، یعنی فروپاشی شوروی است. (اطلاعات، ۱۳۹۳) در عین حال انزوای جغرافیایی فضای داخلی اوراسیا و اخذ ترانزیت بالا توسط این کشورها موجب محدودیت و افزایش هزینه های استفاده از سیستم حمل و نقل زمینی می شود و بنابراین درک ظرفیت بالای ایران در پروسه های همگرایی اوراسیا مهم است. این نقش در درجه اول با ظرفیت بالای ایران در انرژی، ارتباطات و حمل و نقل مرتبط است؛ ضمن اینکه ایران قادر به ایفای نقش مؤثر و اساسی در حل مسئله انزوای فضای داخلی اوراسیا و پیشرفت روابط متقابل روسیه، چین و کشورهای آسیای مرکزی نیز است. ارتباط ایران به ویژه در بخش حمل و نقل با قزاقستان به عنوان یکی از سه عضو اتحادیه گمرکی اوراسیا می تواند زمینه ساز توجه متقابل ایران و این اتحادیه به یکدیگر باشد. مثلاً برای صادرات گندم قزاقستان خطوط ریلی ایران می تواند گزینه مناسبی باشد. در ضمن قرار است راه آهنی از قزاقستان و ترکمنستان وارد گرگان شود که اترك - برکت نام دارد و موجب تسهیل ترانزیت کالاهای آسیای مرکزی به ایران خواهد شد. (ایراس، ۱۳۹۰)

– دستیابی به الزامات سند چشم انداز بیست ساله

سند چشم انداز بیست ساله (۱۴۰۴-۱۳۸۴) با اتکا به عزم ملی و کوشش برنامه ریزی شده مدیرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی تنظیم شده است. طبق سند برنامه چشم انداز ۲۰ ساله ایران کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل است جامعه ایرانی در افق این چشم انداز چنین ویژگی هایی خواهد داشت. (قاضی زاده، ۱۳۹۰، ۶۸)

سند چشم انداز بیست ساله کشور به منزله محور اصلی برنامه های توسعه ملی، توسعه ای برون گرا و در تعامل با جهان خارج را به مثابه جهت گیری اصلی کشور در ۲۰ دهه آینده تعیین کرده است. همچنین این سند استراتژی ارتباط با جهان خارج را برای استفاده از امکانات جهانی جهت توسعه کشور و رفع موانع و مشکلات بین المللی فرآوری توسعه بر محور تعامل سازنده تعامل کرده است. (شفاهی، ۱۳۸۶، ۳۶) مهمترین منافع ایران در حوزه سیاست خارجی عبارت است از ایجاد بسترهای لازم برای نیل به هدف اصلی سند چشم انداز بیست ساله یعنی تبدیل شدن به قدرت اول اقتصادی، علمی، فناوری در سطح منطقه، به منظور تأمین این منافع نیازمند دو دسته منابع داخلی و بین المللی هستیم که تأمین منابع بین المللی مستلزم برقراری پیوندهای قوی با کانون های اصلی قدرت و ثروت جهان می باشد. (آدمی، ۱۳۸۹، ۱۰۶) بسیاری معتقدند افزایش بحران اقتصادی جهانی، قدرت ایالات متحده را کاهش داده است و خیزش چین و هند و دیگر مناطق آسیا را به همراه داشته است و کانون قدرت به طور اجتناب ناپذیری از غرب به آسیا در حال تغییر است و حتی رهبری آسیا در اقتصاد جهانی در وهله اول توسط چین و سپس رهبری هند را محتمل دانسته اند. (Sally, 2010, 13) بنابراین، قدرت های آسیایی به عنوان یکی از کانون های قدرت و ثروت با ارتقای سریع جایگاه، موفقیت های گسترده ای در نیل به شاخص های توسعه به دست آورده اند و هنوز هم از پتانسیل های بسیار عظیمی برای توسعه اقتصادی برخوردار هستند. همچنین سرخوردگی ایران از غرب و تلاش آن ها برای محدود سازی و تشدید تحریم ها علیه ایران (برسر مسئله پرونده هسته ای) این کشور را بر آن داشت با اتخاذ یک دیپلماسی فعال و پویا به ایجاد تعامل سازنده با کشورهای قدرتمند آسیایی در جهت تحقق اهدافش در راستای اجرای سند چشم انداز بیست ساله اصرار ورزد. با توجه به اشتراک منافی که بین ایران و قدرت های آسیایی وجود دارد، می توانند سطح معقولی از همکاری را پایه ریزی و تعمیم دهند. این امر مستلزم تحلیل واقع بینانه از شرایط جهانی و اوضاع منطقه ایو همچنین رابطه با بازیگران قدرتمند آسیایی می باشد.

نتیجه گیری

مطالب ارائه شده حاکی از این است که با توجه به نظریه " مجموعه امنیتی منطقه‌ای" با رشد توسعه گرایی در کشورهای آسیایی و تعریف نوینی که این کشورها از همکاری و مشارکت آسیایی دارند، امروزه شرایط و بستر توسعه اقتصادی، امنیتی و سیاسی در منطقه فراهم شده است و پیش بینی می شود با درک الزامات ایجاد همگرایی در این قاره، کشورهای شکل گیری این روند را با شدت و سرعت بیشتری مورد توجه قرار دهند. با عنایت به موقعیت خاص ژئوپلیتیک ایران با تمدن غنی اسلامی که بسترساز تحولات گسترده در خاورمیانه شده است و درکنار آن موقعیت ترانزیتی و استراتژیک در عملیاتی نمودن کریدورهای شمال-جنوب و شرق-غرب که آسیا و اروپا را بهم پیوند می زند و ظرفیت های فراوانی که برای ایران و کشورهای شرقی و غربی فراهم نموده است باید امنیت انرژی که مهمترین حوزه ظرفیت ساز در مناسبات ایران و قدرتهای آسیایی است و می تواند همکاری های منطقه‌ای با محوریت انرژی بین کشورهای آسیایی را ایجاد نماید می توان ایران را یکی از کشورهای مهم در ایجاد و تسریع کننده فرایند همگرایی در آسیا به شمار آورد. مناسبات عمیق و گسترده با کشورهای شرقی در روابط خارجی ایران فرصت ها و مزایای سیاسی-امنیتی و اقتصادی-فنی شگرفی در راستای تحکیم و تقویت همگرایی آسیایی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد نموده که با بهره گیری از این موقعیت ها ایران می تواند قدم در راه توسعه اقتصادی و سیاسی گذاشته و به ارتقا جایگاهش در منطقه و محیط جهانی نایل آید که این امر در گرو اتخاذ یک سیاست موفق و کارآمد و ایجاد نگرش راهبردی در این زمینه است. در ابتدا ایران باید به شناخت صحیح و واقع بینانه از محیط بین الملل و منطقه آسیا دست یابد و برای اتخاذ تصمیمات راهبردی در این رویکرد فرصت ها و تهدیدهای موجود در عرصه بین الملل را شناسایی کند. به دلیل اینکه کشورهای آسیایی در حال ظهور و تبدیل شدن به قدرتهای بزرگ در عرصه های جهانی هستند ایران نمی تواند از تعامل سازنده و موثر با این قدرتها چشم پوشی کند و با توجه به خیزش آسیا که امروزه به عنوان یک کانون قدرت در جهان مطرح شده است و با توجه به پتانسیل های بسیار عظیم اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی در این منطقه ایران برای رسیدن به جایگاه اول منطقه‌ای طبق چشم انداز بیست ساله به تعامل با این کشورها نیازمند است و می تواند سهم مناسبی از ظرفیت های این قاره در راستای تعامل با کشورهای شرقی بدست آورد.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی:

۱. آدمی، علی. (۱۳۸۹). «راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دیدگاه‌ها، زمینه‌ها و فرصت‌ها» **فصلنامه مطالعات سیاسی**، سال دوم، شماره ۷.
۲. آهنی، علی. (۱۳۸۸). «چشم انداز همگرایی آسیا». **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۲۳، شماره ۳.
۳. ابراهیمی، نبی‌الله. (۱۳۸۹). «تاملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاک». **فصلنامه سیاست خارجی**، شماره ۸۲.
۴. احمدی، سید عباس. (۱۳۸۷). «بررسی نقش و موقعیت ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک»، **مجلس و پژوهش**، سال ۱۴، شماره ۵۷.
۵. اعظمی، هادی. (۱۳۸۷). «تاثیر عوامل ژئوپلیتیک بر مناسبات جمهوری اسلامی ایران و جمهوری‌های آسیایی مرکزی». **ماهنامه اطلاعات**، سال ۶، شماره ۶۳.
۶. امیدبخش، اسفندیار. (۱۳۸۶). «موقعیت مدل اقتصادی اجرا شده در قاره کهن (توسعه آسیایی)»، **همشهری دیپلماتیک**، شماره ۱۶.
۷. امیراحمدیان، بهرام. (۱۳۸۴). «امنیت در آسیا»، **همشهری دیپلماتیک**، شماره ۵۵.
۸. انعامی علمداری، سهراب. (۱۳۸۷). «چین چالش آمریکا در قرن جدید»، **ماهنامه اطلاعات راهبردی**، سال ۶، شماره ۶۳.
۹. «ایران و پروسه چند وجهی همگرایی در اوراسیا»، ایراس؛ ۱۳۹۰/۰۹/۲۲، آنلاین: <http://irasnews.ir/vdcb5wb5.rhbggpiuur.html>
۱۰. بهروزی فر، مرتضی. (۱۳۸۵). **هند و چین (بازارهای بالقوه صادرات گاز ایران)**، تهران، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
۱۱. بیکدلی، علیرضا. (۱۳۸۹). «موقعیت ترانزیتی جمهوری اسلامی ایران و کشور های آسیای مرکزی قفقاز»، **مطالعات آسیایی مرکزی و قفقاز**، شماره ۴۶.
۱۲. پاکدامن جامی، مرتضی. (۱۳۸۶). «نقش ایران در پیشبرد همگرایی آسیایی (خانه مشترک)»، **همشهری**، شماره ۶.
۱۳. «تثبیت همگرایی روسیه با چین و اوراسیا «اتحادیه اوراسیا»؛ از تئوری تا عمل»، روزنامه اطلاعات، ۹۳/۰۳/۲۰.
۱۴. تکیه سادات، اسماعیل. (۱۳۸۹). «ترانزیت: فرصت‌ها و تهدیدها». **رویدادها و تحلیل‌ها**، سال ۲۴، شماره ۲۴۵.
۱۵. ثقفی عامری، ناصر. احدی، افسانه. (۱۳۸۷). **ایران و سیاست نگاه به شرق**، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۶. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال. «سیاست خارجی دولت نهم»، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۱۳.
۱۷. زرگر، افشین. (۱۳۸۶). «همگرایی و واگرایی در روابط ایران و هندوستان»، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۵۷.
۱۸. سیاری، روح‌الله. (۱۳۸۷). «موقعیت ایران در زمینه ترانزیت»، **ماهنامه توسعه صادرات**، سال یازدهم، شماره ۶۹.
۱۹. شفیعی، نوذر. (۱۳۸۴). «معادلات سیاسی-امنیتی در جنوب آسیا و تاثیر آن بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، **همشهری دیپلماتیک**، شماره ۵۵.
۲۰. شفیعی، نوذر و زهرا صادقی. (۱۳۸۹). «گزینه‌های ایران در روابط خارجی براساس سیاست نگاه به شرق»، **راهبرد یاس**، شماره ۲۲.

۲۱. صالحی، روح الله (۱۴ دی ۱۳۹۲) اتحادیه اوراسیا و تشکیل امپراطوری نوین پوتین، **خبرگزاری فارس**، آنلاین:
<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13921015001319>
۲۲. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹). **نظریه های امنیت**. تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
۲۳. عزتی، عزت الله و هادی ویسی (۱۳۸۲). «تحلیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومی خط لوله گاز ایران- هند» **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال دوم، شماره ۲.
۲۴. عطری، فاطمه (۱۳۹۳/ ۳/ ۱۲) اتحادیه اوراسیا: مزایا و چالش ها، **ایراس**، آنلاین:
<http://www.iras.ir/fa/doc/note/405/>
۲۵. غفاری، حنیف (۱۳۸۷/۷/۸). «گامی به جلو برای همگرایی آسیایی»، **روزنامه رسالت**.
۲۶. فرزین نیا، زیبا (۱۳۸۷). «ایران و آسیا در دولت نهم؛ فراز و نشیب ها»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۲۲، شماره ۲.
۲۷. قاسمی، اسد (۱۳۹۰). «امنیت انرژی در خاورمیانه پس از جنگ سرد (سال های ۱۹۹۱-۲۰۰۹)»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**. دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۰.
۲۸. قاضی زاده، شهرام و عباس طالبی فر (۱۳۹۰). **مناسبات راهبردی ایران و چین**، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۹. کاپیلا، سوبه اش (۱۳۸۴). «بررسی جایگاه استراتژیک ایران در میان کشور های روسیه، چین و هند»، **همشهری دیپلماتیک**، شماره ۴۴.
۳۰. محسنی، رضا (۱۳۸۹). **نقش حمل و نقل و ترانزیت کالا در توسعه اقتصادی کشور**، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
۳۱. ملازهی، پیرمحمد (۱۳۸۴). «محور شرق: امنیت آسیایی»، **همشهری دیپلماتیک**، شماره ۵۵.
۳۲. موحدین، محسن (۱۳۸۸). «خط لوله صلح-فرصت ها و چالش ها»، **رویداد ها و تحلیل ها**، ماهنامه ۲۳۴.
۳۳. موسوی شفائی، سید مسعود (۱۳۸۶). «الزامات تأمین انرژی در قرن جدید تعاملات سازنده»، **همشهری دیپلماتیک**، سال دوم، شماره ۲۲.
۳۴. مه آبادی، مریم (۱۳۸۴). **مجموعه مقالات همایش سیاست اقتصاد در شرق آسیا با تاکید بر چین و ژاپن**، تهران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.
۳۵. مهدیان، حسین و حامد یزدانی (۱۳۹۰). «تحلیل موقعیت جغرافیایی راهبردی ایران»، **ماهنامه خلیج فارس و امنیت**، سال ۱۲، شماره ۱۲۴.
۳۶. نصیری، حسین (۱۳۸۷). «بررسی موقعیت ایران و کشورهای رقیب در مبادلات جهانی - منطقه ای (با تاکید بر محور توسعه شرق)»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۳۸، شماره ۳.
۳۷. واعظی، محمود (۱۳۸۶). «الزامات همگرایی در روند شکل گیری و تقویت هویت مشترک در آسیا»، **همشهری دیپلماتیک**، شماره ۱۶.
۳۸. واعظی، محمود (۱۳۸۹). **نفت و سیاست خارجی**، تهران، گروه پژوهشی سیاست خارجی.
۳۹. هادیان، حمید. «پندار ما از تصویر جدید آسیا»، **همشهری دیپلماتیک**، شماره ۵۵، تیر ۱۳۸۴.
۴۰. یزدان پناه، کیومرث (۱۳۸۴). «امنیت، چالش بزرگ آسیا در قرن ۲۱»، **همشهری دیپلماتیک**، شماره ۵۵.

41. ____ .(2013) . “ World Energy Resources : Coal ”. **World Energy Council**. No. 4184478.
42. Arora , Vivek. Vamvakidis , Athanasios .(July 2010). “ China’s Economic Growth: International Spillovers ”. **International Monetary Fund** .WP/10/165.
43. Buzan , Barry.(2012). “Asia: A Geopolitical Reconfiguration ”. **politique étrangère** 77 . Available at : <http://www.ifri.org/?page=contribution-detail&id=7208>
44. Danner , Lukas Karl .(2-7-2014). “A Regional Security Complex Account of the Diaoyu/Senkaku Islands Conflict ”. East Asia Security Symposium and Conference. Bond University
45. Desidelio ,A .Maronta ,F.(2009).“ The Importance of Iran ” .Available at :<http://temi.repubblica.it/limes-heartland/the-importance-of-iran/142>.
46. Katada, Saori.(November 2009). “ Political Economy of East Asian Regional Integration and Cooperation ”. **Asian Development Bank Institute** . No.170.
47. -Kumar Verma, Shiv .(17 January 2007). “ Energy geopolitics and Iran–Pakistan–India gas pipeline ”. **Energy Policy** .No.35.
48. -Leigh, James. Vuković , Predrag .(February 2010). “potioli Iranian hegemony in oil producing islamic countries-implications for oil geopolitic ”.**Raspravei I Clanci** . Vol. LXII.No. 1.
49. Nicu, Popescu.)September 2014 .(“ Eurasian Union: the real, the imaginary and the likely ”. **European Union Institute for Security Studies** . Chaillot Papers . No 132
50. Soesastro , Hadi .(2006). “ Regional Integration in East Asia : Achievements and Future Prospects ”. **Asian Economic Policy Review**.(Journal Compilation: Japan Center for Economic Research) dio: 10.1111/j.1748-3131.2006.00024.x
51. -Sally , Razeen . (2010). “ Regional Economic Integration In Asia: The Track Record and Prospects ”. **ECIPE Occasional Paper** .No. 3.
52. Stone , Marianne .(Spring 2009). “**Security According to Buzan: A Comprehensive Security Analysis** ”. School of International and Public Affairs – New York, USA. Groupe d’Etudes et d’Expertise Sécurité et Technologies
53. Tellis , Ashley J. Marble , Andrew . Tanner , Travis .(Septmber 2010).*Strategic Asia 2010–11: Asia’s Rising Power and America’s Continued Purpose* .Washington: The National Bureau of Asian Research
54. - weitz , Richard .(March 13, 2012). “ Putin’s Grand Plan for Asia ”. **The Diplomat** . Availave at :
55. <http://thediplomat.com/2012/03/putin-grand-plan-for-asia>